

هنجارشناسی اخلاق جنسی در زندگی زناشویی از دیدگاه اسلام

m_saeedkarami@yahoo.com

محمدسعید کرمی / کارشناس ارشد اخلاق کاربردی مؤسسه اخلاق و تربیت

پذیرش: ۹۶/۳/۱۹

دریافت: ۹۵/۷/۲۲

چکیده

این پژوهش به منظور دستیابی به هنجارهای جنسی در زندگی زناشویی تدوین شده است. به همین منظور، قرآن کریم و مجموعه وسیعی از روایات مطالعه و بررسی شد. آیات مرتبط با مسائل جنسی از قرآن استخراج گردید و پس از بازخوانی آیات استخراج شده، کلیدواژه متناسب با موضوعات انتخاب گردید. در نهایت هنجارهای اخلاقی ناظر به رابطه جنسی مشخص شد. پژوهش حاضر با روش استنادی به اصول اخلاق جنسی در زندگی زناشویی دست یافته و در همه زمینه‌ها تناسب این اصول با عقل توحیدی موردنظر بوده است. از جمله اصول اخلاقی، که در زمینه مسائل جنسی در قرآن و روایات مطرح است، عدالت، عفت، مودت، رحمت، کرامت و غیرت است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق جنسی، هنجار اخلاقی، اصل اخلاقی، اخلاق کاربردی، اسلام.

مقدمه

قرآن و اسلام»، به مجموعه‌ای از هنجارهای جنسی دست یافته‌اند. اگرچه ایشان همه این هنجارها را به عنوان اصول اخلاقی قلمداد کرده‌اند، اما تعدادی از آنها هنجار فقهی و برخی، از جمله آداب، رابطه زناشویی به حساب می‌آیند. علاوه بر این، تمام اصول جمع‌آوری شده برگرفته از قرآن کریم نیست. در پژوهش طاهرپور و شرفی (۱۳۹۰) با عنوان «تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام»، اگرچه هدف اصلی تبیین اصول اخلاق جنسی نبوده، اما به اصول مرتبط با مبانی هستی‌شناسی پرداخته است. البته با وجود اینکه برخی از این اصول پذیرفتنی است، اما نمی‌توان به سهولت آنها را اصل اخلاقی شمرد. فقیهی (۱۳۸۷) نیز در کتاب «تربیت جنسی مبانی اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث» با رویکردی تربیتی به مسئله پرداخته است. در این پژوهش، مبانی تربیتی به همراه اصول برآمده از آنها ذکر شده که برخی از این اصول به صورت مشترک میان دانش تربیت و اخلاق قابل استفاده است.

دیگر آثار در حوزه اخلاق جنسی مانند *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*، اثر شهید مطهری (۱۳۸۷)؛ *درآمدی بر نظام اخلاق جنسی در اسلام* اثر غلامرضا متقی‌فر (۱۳۸۸)؛ و *اخلاق و رفتارهای جنسی*، اثر غلامی (۱۳۹۲) هم به طور ضمنی به برخی از اصول اشاره کرده‌اند.

امتیاز این پژوهش در آن است که اولاً، سعی کرده بر مبنای قرآن کریم به اصول اخلاق جنسی همسران بپردازد. ثانیاً کوشیده است جنبه عقلانی این اصول پررنگ گردد. ثالثاً، نحوه کاربست این اصول در زندگی زناشویی مدنظر قرار گرفته است.

بنابراین، پژوهش حاضر از نمونه‌های اخلاق کاربردی است؛ دانشی که با کاربست انتقادی روش‌های فلسفی، به سنجش تصمیمات علمی - اخلاقی و مواجهه با مسائل، رفتارها و سیاست‌های اخلاقی در حرفه‌ها، فناوری، حکومت و مانند آن می‌پردازد (اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۳۲).

اصول اخلاق جنسی در زندگی همسران از دیدگاه اسلام
به منظور شناخت هنجارهای اخلاق جنسی، می‌توان با استناد به آیات و روایات و با استدلال‌های عقل‌پسند، به مجموعه‌ای از اصول و هنجارها دست یافت. این اصول - همان‌گونه که در ادامه روشن

«هنجار اخلاقی» به معنای بایسته‌ها و نبایسته‌های برخاسته از یک نظام ارزشی است. بنابراین، اگرچه عقل در شناخت این هنجارها، به تناسب رفتار با هدف (ارزش نهایی) توجه می‌کند اما به سبب تفاوت نظام‌های ارزش‌گذاری ممکن است اصول اخلاقی در یک سبک اندیشه‌ورزی مانند نظام لیبرال کاملاً متفاوت با منظومه فکری اسلامی باشد.

از این رو، باید با مراجعه به متون اصیل اسلامی و تحلیل آنها، به هنجارهای اخلاقی در زمینه‌های گوناگون، از جمله زندگی جنسی انسان پرداخت. البته ممکن است عقل با در نظر گرفتن مصالح و مفاسد زندگی فردی و اجتماعی، یک سلسله از هنجارها دست یابد که در این صورت، لازم است در اصول و تعیین جایگاه آن در نظام فکری اسلام بازنگری شود.

پژوهش حاضر به منظور بازشناسی اصول و وظیفه عینی و قابل دسترس در باب اخلاق جنسی در زندگی زناشویی نگاشته شده است. کلیدی‌ترین مفهوم در این باره «اخلاق جنسی» است که آن را به دانشی تعریف می‌کنند که راه صحیح پرورش طبیعی استعداد جنسی بشر را بدون آنکه منجر به آشفتگی و بی‌نظمی و اختلال شود، نشان می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۳۹ با تصرف). از جمله مسائل آن، چگونگی پرهیز از محرک‌های جنسی، خویش‌داری، عفاف، شرایط سالم حاکم بر ارتباط جنسی زن و مرد و خلاصه چگونگی مدیریت این غریزه است (متقی‌فر، ۱۳۸۸، ص ۲۲-۲۳).

سؤال اصلی این پژوهش آن است که از منظر اخلاق جنسی، چه باید‌هایی متوجه همسران است؟ بدین‌روی، رویکرد این پژوهش بر آن دسته از الزامات اخلاقی است که زوجین با آنها درگیرند. در نتیجه، اصول اخلاقی به گونه‌ای تبیین شده است که مرتبط با زندگی زوجین باشد. اگرچه می‌توان با تبیینی دیگر، آن اصول را به اخلاق جنسی در زندگی مجردی مرتبط دانست. به هر حال، موضوع این اثر اخلاق همسرمداری به صورت عام نیست، بلکه «اخلاق جنسی در زندگی همسران» است.

پیش از این پژوهش نیز در تعدادی از آثار، به اصول اخلاق جنسی اشاره شده است، اما به عللی هیچ‌کدام موجب تکراری شدن این اثر نخواهند شد. کاظمی و بهرامی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی برخی از مؤلفه‌ها و اصول اساسی در اخلاق جنسی از نظر

این است که از جنس شما، همسرانی را آفرید تا به سبب آنها به آرامش برسید. بنابراین، هدف از ازدواج رسیدن به آرامش است. چگونه می‌شود همسران با تعارض‌ها و تنش‌ها دست و پنجه نرم کنند و در عین حال، به عشق و مهرورزی بیندیشند؟ در واقع، اگر همسران به دنبال ایجاد فضایی آرام و بدون تنش باشند زمینه برای رشد مهرورزی فراهم می‌شود. به هرروی، مهم‌ترین راه برای استمرار علاقه طرفینی، که به عنوان هدیه الهی به همسران عطا می‌شود، آرامش‌بخشی به همسر است.

علاوه بر همه آثار مثبتی که علاقه طرفینی بر تحکیم رابطه دارد، ایجاد جاذبه جنسی، آمیزش، و در نتیجه، فرزندآوری نیز از فواید مودت و رحمت است؛ همان چیزی که فلسفه اصلی جاذبه میان جنس زن و مرد و ازدواج آنها بوده است (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۱۱۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۴). از سوی دیگر، رابطه جنسی خوب هم می‌تواند بر این صمیمیت و دوستی بیفزاید و رضایت زناشویی را در پی داشته باشد.

فضایی همچون عفو، صفح و تغافل، همدردی، صبر، همکاری و مشارکت، حمایت، و غیرت بر اثر این اصل اصیل به وجود می‌آید. اما مسئله‌ای که در این زمینه مهم به نظر می‌رسد تفاوت میان «عشق» و «مودت» است. آیا اساساً این دو با هم متفاوتند؟ و اگر هستند آیا عشق‌ورزی یک «باید» اخلاقی برای عموم انسان‌ها است؟ یا اینکه عشق موهبتی است که به برخی افراد داده شده و تکلیف اخلاقی نسبت به آن برای عموم انسان‌ها وجود ندارد؟

برخی اخلاق‌پژوهان اسلامی معتقدند: عشق یک بیماری اخلاقی است و آن را به افراط در قوه شهویه نسبت می‌دهند. عشقی که در نظر ایشان و براساس روایات، مذموم و ناپسند است، عشق شهوانی است که فرد بر اثر برآشفته شدن نیاز جنسی‌اش، به سبب نگاه هوس‌آلود و همجواری شهوت‌برانگیز با یک زیباروی، در او چنین حسی به وجود می‌آورد (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۷۸؛ مظاهری، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰-۱۷۸). این علاقه‌مندی با آمیزش جنسی فروکش می‌کند. در نتیجه، این عشق به سبب ناپایدار بودنش و نیز فریبنگی آن برای زن، امری غیراخلاقی است؛ یعنی نه با موازین اخلاق فردی سازگار است و نه با اخلاق اجتماعی.

اما امروزه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان وقتی سخن از عشق به

خواهد شد - نه تنها منافاتی با عقل و دیدگاه عقلا ندارند، بلکه غالباً توجهات عقلانی و عقلایی نیز دارند. سؤال اینجاست که اگر این اصول را می‌توان از منبع عقل دریافت، دیگر چه نیازی به مستندات نقلی است؟ در پاسخ، باید گفت: در بسیاری از موارد، دلیلی که کاملاً عقلی باشد یافت نمی‌شود، بلکه با مقدمات غیرعقلی و گاهی ناقص استدلال سامان می‌یابد. از این‌رو، برای در امان بودن از حکمی برخلاف خواست الهی، لازم است با جمع‌آوری مجموعه‌ای از قراین، یک نظام منسجم فکری دست یابیم. بر این اساس، با مشاهده آیات و روایات اسلامی و ضمیمه دیدگاه عقل و عقلا، حکم بدهی ابتدایی محک می‌خورد و آنچه به حقیقت نزدیک‌تر است و طبعاً موجب قرب الهی می‌گردد، کشف خواهد شد.

به همین منظور، قرآن کریم و مجموعه وسیعی از روایات مطالعه گردید. پس از استخراج آیات جنسی از قرآن و بازخوانی آنها، کلیدواژه متناسب با موضوعات مطرح در آیات انتخاب گردید. در نهایت، هنجارهای اخلاقی ناظر به رابطه جنسی، مطالعه شد. بنابراین، پژوهش حاضر بخشی از یک مطالعه انسجام‌گرا در زمینه مسائل جنسی است که با در نظر گرفتن بیش از ۳۰۰ آیه درباره مسائل جنسی و روایات متعدد از مجامع روایی شیعی و بررسی عقلانی آنها شکل گرفته است. اصول ذیل مربوط به اخلاق جنسی در زندگی همسران است.

۱. مودت و رحمت

یکی از مهم‌ترین عوامل استمرار زندگی مشترک، محبت و مهربانی در دو حیطة رفتار بیرونی و گرایش درونی است که خداوند میان زن و شوهر قرار می‌دهد (روم: ۲۱). به عقیده علامه طباطبائی، قرآن کریم با به کار بستن واژه «مودت»، رفتاری سرشار از محبت، و با واژه «رحمت»، دل‌سوزی و شفقت درونی را بیان نموده‌اند است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶). اما تا زمانی که این علاقه تابع جبر الهی باشد و نه اختیار انسان، نمی‌توان از آن به عنوان هنجار اخلاقی یاد کرد. استمرار بخشیدن به این هدیه الهی و تلاش برای پویایی و زنده نگه داشتن آن به لحاظ اخلاقی، خوب تلقی می‌شود. چنان‌که از آیه موضوع بحث برمی‌آید، مودت و رحمت مترتب بر سکونت و آرامشی است که زن و مرد پس از ازدواج به دست می‌آورند. در این آیه شریفه، خداوند می‌فرماید: از نشانه‌های خداوند

۱-۱-۲. توجه به نیازهای فردی

از وظایف اخلاقی انسان در برابر خویشتن، تأمین نیازهای جسمی و روانی است. انسان تا زمانی که نیازهای اساسی خود را تأمین نکند و دایم به سرکوب آنها مشغول باشد، به تعادل روانی نمی‌رسد و در نتیجه برای نزدیک شدن به خدا و قرب الهی، با مشکل مواجه خواهد شد.

بسیاری از روان‌شناسان بر اهمیت امیال و نیازهای طبیعی انسان تأکید کرده‌اند، به‌گونه‌ای که بی‌تفاوت بودن نسبت به آن را موجب فروپاشی شخصیت و یا رشدنیافتگی آن دانسته‌اند. برای نمونه، «فریوید [که] میل جنسی را به‌طور طبیعی در انسان همانند احساس گرسنگی و میل به غذا می‌دانست» (کجباف، ۱۳۸۹، ص ۲۵)، با پراهمیت جلوه دادن میل جنسی و تأثیرگذاری آن بر تمام فعالیت‌های روانی، نشان داد که میل جنسی، که از نیازهای پیش‌یافتاده انسان است، تا چه اندازه در زندگی او اثرگذار است. هرچند یونگ، آدلر، اریک فروم، هورنای، مزلو و پرلز با تعمیم فریوید مخالف بودند، ولی هیچ‌یک نیاز جنسی و پیامدهای مهم روانی آن را انکار نکردند (کجباف، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۷۰؛ اوحدی، ۱۳۷۹، ص ۷۸-۹۷).

آبراهام مزلو نیز با مطرح نمودن سلسله نیازهای انسان، بر اهمیت نیازهای انسانی تأکید کرد. به اعتقاد او، انگیزش‌های اولیه فیزیولوژیکی، پایین‌ترین سطح نیازها را تشکیل داده‌اند و پس از آن نوبت به انگیزش‌های پیچیده‌تر روان‌شناختی می‌رسد. این نیازها فقط هنگامی اهمیت پیدا می‌کنند که نیازهای اولیه ارضا شده باشند (اتکینسون و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۷۱). تردید در اینکه نیاز جنسی جزو نیازهای اولیه انسان هست یا نه، به تعریف ما از «نیازهای اولیه» برمی‌گردد. به اعتقاد مزلو، «نیاز جنسی بشر جزو نیازهای جسمانی محسوب می‌شود؛ همچون نیاز به غذا، آب، هوا، خواب» (کجباف، ۱۳۸۹، ص ۶۶). بنابراین، آن را در پایین‌ترین سطح از نیازها جای می‌دهد. اما به اعتقاد ساتتراک، ابتدایی بودن نیاز منوط به این است که فقدان آن، موجب از بین رفتن و تلف شدن انسان شود. انسان‌ها در طول روز برای زنده ماندن، مثل آب و غذا، به میل جنسی نیاز ندارند، ولی برای بقای نسلشان به آن نیاز دارند (ساتتراک، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۷۶).

جان مارشال ریو معتقد است: نیاز هرگونه حالت درونی فرد است که برای زندگی، رشد و سلامت، ضروری است (ریو، ۱۳۸۸، ص ۷۵). به اعتقاد او، در صورتی که نیازها ارضا شوند موجب حفظ

میان می‌آورند غالباً منظورشان علاقه و محبت دوطرفه‌ای است که بین دو تن شکل می‌گیرد و دوست داشتن جسم یکدیگر یکی از مصادیق آن به‌شمار می‌آید و نه همه آن (آنو، ۱۳۸۲؛ داینو، ۱۳۸۴، ص ۲۹). هرچند آلن برشید و آلن والستر دو نوع عشق «هوسی» و عشق «عاطفی» را معرفی کرده‌اند، ولی آنها نیز عشق هوسی را «عشق کور» خوانده‌اند (بدار، دزیل و لامارش، ۱۳۸۴، ص ۲۰۷). برای شناسایی وجود عشق و عدم آن غالباً از مقیاس اشتنبرگ استفاده می‌شود. براساس «مثلث عشق» اشتنبرگ، عشق در پیوستاری قرار دارد که از سه مؤلفه «صمیمیت»، «هوس» و «تعهد» تشکیل شده است. هرچه این سه مؤلفه پررنگ‌تر باشند، سطح عشق بالاتر خواهد بود (همان، ص ۲۱۱).

با وجود این عشقی که انسان‌ها آن را می‌پسندند و به دنبال آن هستند و می‌توان از آن به عنوان فضیلتی اخلاقی یاد کرد شاید همان چیزی باشد که قرآن کریم با نام «مودت» و «رحمت» مطرح نموده است.

۲. عدالت

هرچند در اخلاق اسلامی با رویکرد فلسفی، «عدالت» را راه میانه قوه ناطقه برمی‌شمرند، نه قوه شهویه، با این حال، این ملکه در معنای عام خود، در معارف دینی می‌تواند حل‌کننده بسیاری از مسائل اخلاق جنسی نیز باشد. از آنجاکه مفهوم «عدالت» در دو دانش اخلاق و حقوق (فقه) کاربرد دارد، هم می‌توان آن را در شمار آموزه‌های اخلاقی اسلام و هم فقه اسلامی مشاهده نمود. در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام به رعایت عدالت نسبت به خود و دیگران سفارش شده است.

۱-۲. رفتار عادلانه نسبت به خود

انسان باید استعدادهای مادی و معنوی خود را در نظر بگیرد و با توجه به ابعاد وجودی‌اش، هیچ‌گونه ضرری به خود نرساند. بدین‌روی، قرآن کریم مکرر سفارش به رفتار عادلانه با خویشتن و پرهیز از ظلم به خود می‌فرماید. از نمونه‌های بی‌عدالتی نسبت به خود، نپرداختن به نیازهای فردی و غریزی در حد اعتدال است. همچنین از دیگر نمونه‌های ظلم به نفس، بی‌توجهی به پیامدهای روحی و معنوی رابطه‌های بدون چارچوب و افسار گسیخته است.

می‌فرمایند: «کسی که بالاترین همت خود را بر رسیدن به شهوات بگمارد، شیرینی ایمان از دل او برچیده می‌شود» (ورامین ابی‌فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۱۶). براساس ادبیات قرآنی، در مقابل ایمان، کفر و شرک به خداوند قرار دارد و شرک بالله بزرگ‌ترین ظلم است (لقمان: ۱۳)؛ زیرا انسان با این عمل، قابلیت خود را برای درک رحمت الهی از دست خواهد داد.

از نمونه‌های دیگر ظلم به خویش در روایات، رعایت نکردن اخلاق فردی نسبت به جسم، روح و روان خود است. پیامبر اکرم ﷺ یکی از اسباب طول عمر را کم کردن رابطه جنسی با زنان برمی‌شمرد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۵۵). امیرمؤمنان ﷺ نیز اصرار زیاد بر رابطه جنسی را از عوامل پیری زودرس می‌دانند. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۵۳). همچنین آن حضرت شیفتگی و حرص زدن برای رسیدن به زنان را عامل محنت و بلا می‌دانند (همان، ص ۱۷۲).

در مقابل این دسته از روایات، احادیثی قرار دارد که «کثرة الطروقه» را از ویژگی‌های انبیا برشمرده است. سبک بیان این دسته از روایات به گونه‌ای است که گویی این امر پسندیده بوده و سزاوار است سایر مردم نیز خود را به این حال برسانند (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۹۲؛ همو، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۷).

در اینکه «کثرت طروقت» به چه معناست، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از روایان در کنار نقل از معصوم، دست به ترجمه و بیان منظور امام زده‌اند. در روایتی که مرحوم طبرسی از امام رضا ﷺ نقل کرده است، راوی «کثرت طروقت» را به معنای «جماع» دانسته (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۵۹) و در روایتی که ابن‌حیون از امام صادق ﷺ نقل کرده، راوی «کثرت طروقت» را به معنای «زنان» دانسته است؛ یعنی از اخلاق انبیا حمایت و نگهداری از زنان بسیار است (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۹۲). چنان‌که از این نقل‌ها برمی‌آید، این ترجمه و تعریف‌ها چیزی است که راوی از کلام امام فهمیده و نه تصریح امام.

فقیهی از بررسی این روایات، به این نتیجه می‌رسد که «کثرت طروقت» اصلاً به مفهوم زیاد نزدیکی کردن نیست، بلکه منظور زیاد زن داشتن است (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۵۷). اما به نظر می‌رسد چه آن را به معنای «همسرهای زیاد» بدانیم و چه به معنای «نزدیکی زیاد»، مشکل اصلی راه، که غوطه‌ور شدن در ورطه افراط است، حل نمی‌کند. در صورتی که کسی زنان زیادی داشته باشد برای تحصین و

سلامتی خواهند شد، و اگر نادیده گرفته شوند لطمه‌ای ایجاد می‌شود. این لطمه ممکن است بر بدن، خود و یا رابطه فرد با دنیای اجتماعی باشد (همان، ص ۷۵-۷۶).

به‌هرروی، نادیده گرفتن نیازها، سلامت جسمانی یا روانی را مختل می‌کند و این نشان از اهمیت توجه به نیازها و گرایش‌های انسان دارد. روان‌شناسانی همچون مزلو و مورای بر این باورند که نیازها، محدود به جسمانی نیستند. نیازها در هرم مزلو به ترتیب اهمیت، از نوک هرم به پایین عبارت‌اند از: نیازهای خودشکوفایی، اجتماعی، احترامی، عاطفی، امنیتی، فیزیولوژیکی (مزلو، ۱۹۵۴، ص ۹۷). بنابراین، توقف در یک مرحله و نادیده انگاشتن سایر نیازها با رشد و بالتدگی انسان ناسازگار است. مورای نیز با توجه به اهمیت سایر نیازها، به جای نیازهای جسمی، مثل نیاز به غذا و آب، نیازهای روان‌شناختی را فهرست (ر.ک: فرانکن، ۱۳۸۹، ص ۵۰) کرد (فرانکن، ۱۳۸۹، ص ۴۸-۵۰).

از آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت: توجه به بُعد مادی انسان نشان از اهمیت سلامت انسان دارد.

در قرآن نیز بر سلامتی روحی، روانی و جسمی انسان تأکید شده است. از آیات کریمه قرآن، چنین برداشت می‌شود که انسان در صورتی سلامت است که از یک‌سو، بیمار نباشد، و از سوی دیگر، از آنچه دارد استفاده بهینه و شایسته کند. در گام سوم، مهم آن است که فطرت پاک و سالم آلوده نشود و نیروهای ارزشمند فکری و روحی و جسمی بیکار نمانند و انسان در مسیر رشد و رسیدن به کمال نهایی قرار گیرد. چنین فردی سالم است (شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۳۷۷). کمال انسان آنچنان اهمیت دارد که خداوند همه نعمت‌هایش را برای رشد او فراهم کرده است. از این‌رو، رسیدگی به نیاز جنسی به معنای توجه به اعتدال روحی - روانی و در نتیجه فراهم شدن زمینه کمال انسانی خواهد بود.

۱-۲-۲. اعتدال فردی

میان‌روی در رابطه جنسی می‌تواند به دو علت لازم باشد: اول. سبب رعایت عفاف؛ دوم. به سبب رعایت عدالت نسبت به خود. رعایت نکردن عدالت نسبت به خود و آسیب رساندن به خویش، گاهی در بعد اخروی و گاهی در بعد دنیوی است که هر دو نوع ضرر در احادیث آمده است. پیامبر اکرم ﷺ درباره زیان اخروی شهوت‌پرستی چنین

۲-۱. رعایت حقوق جنسی همسر

اسلام برای هریک از زن و مرد حقوق جنسی وضع کرده است. رفتار عادلانه با همسر به معنای رعایت این حقوق است. از جمله این حقوق، حق آمیزش، پیش‌نوازی و تحریک، حق همخوابگی، و حق آراسته‌خواهی است.

«تمکین» و «نشوز» از مهم‌ترین مسائل حقوق جنسی است. «تمکین» به این معناست که زن باید امکان بهره‌برداری جنسی را به طور متعارف به شوهر بدهد و شوهر نیز در حدود متعارف با زن رابطه جنسی داشته باشد. این از وظایف همسران است. اما در اصطلاح فقها، «تمکین» در مقابل «نشوز» زن و از وظایف زن شمرده می‌شود. در واقع، زن لازم است شوهر را برای استمتاع، محدود به زمان و مکانی خاص نکند (مؤمن، ۱۳۹۲، ص ۴۰). بیشتر مراجع تقلید معتقدند: برای اینکه عنوان «نشوز» بر زن صدق نکند لازم است از استمتاعی که اولاً مجاز بوده، و ثانیاً در حد متعارف باشد تمکین کند (tebyan.net، ۱۳۹۰)؛ زیرا دلیلی الزام‌آور وجود ندارد که زن به انواع لذت‌جویی‌های مرد پاسخ مثبت دهد. حتی در صورتی که مرد از همسر خود تقاضای سکس مقعدی کند و زن از این خواسته مرد تمکین نکند، نشوز واقع نشده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۵۰۴). همچنین سر باز زدن از تمکین در کارهایی که زن به عسر و حرج می‌افتد، موجب نشوز او نمی‌شود. اما در شرایطی که زن به لحاظ روحی و یا جسمی در وضعیت مناسبی نباشد و تمکین موجب ایدای او باشد، آیا باز هم تمکین واجب است یا خیر، دو نظر وجود دارد. برخی معتقدند: براساس ادله‌ای همچون «عاشروهن بالمعروف» (نساء: ۱۹) و نیز اصل عقلایی «سلطه بر شئون خود»، در حالتی که زن در صورت تمکین اذیت می‌شود نیز تمکین واجب نیست (صدرحسینی، ۱۳۹۲).

همچنان که تمکین بر زن واجب است، بر مرد نیز واجب است که از چهار شب یک شب را به همخوابی با همسرش هرچند بدون آمیزش به سر ببرد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۷۹). نیز بر مرد واجب است - دست‌کم - هر چهار ماه یکبار با همسرش آمیزش جنسی داشته باشد، و چنانچه آن زن میل شدید به رابطه جنسی داشت به‌گونه‌ای که اگر آمیزش جنسی نکند ترس به گناه افتادن او باشد، مرد باید با همسرش رابطه جنسی برقرار کند و یا اینکه او را طلاق دهد تا او آزادانه حق انتخاب داشته باشد (طباطبایی یزدی،

رعایت عفت و پاک‌دامنی آنها هم که شده، باید با آنها نزدیکی کند و این برای خود او مجامعت زیاد را به دنبال خواهد داشت. آنچه مشکل را برطرف می‌سازد توجه به این مسئله است که تعبیر کم یا زیاد در رابطه جنسی، امری نسبی است و چنانچه گفته شود رابطه‌ای کم یا زیاد است، در یک پیوستار قابل تصور است. اگرچه روایات می‌فرمایند: «از اخلاق پیامبران رابطه جنسی فراوان است»، لیکن این به معنای افراط و زیاده‌روی در این مسئله نیست، بلکه این دسته از روایات درصدد زدودن این اندیشه‌اند که «رابطه جنسی به طور کلی، با اخلاق، سیر و سلوک، کمال و مانند آن در تنافی است». این روایات نه‌تنها اصل رابطه جنسی را امری پذیرفته‌شده از جانب انسان‌های کامل و الهی می‌دانند، بلکه راه و روش خوبان در رابطه جنسی را چیزی بیش از رابطه‌های کم‌رنگ و دیر به دیر معرفی می‌کنند.

۱-۳-۲. خودسازی اخلاقی و معنوی

از دیگر وظایف انسان نسبت به خود، این است همان‌گونه که به نیازهای مادی و روانی خود توجه می‌کند، به نیازهای معنوی خود نیز بپردازد. بنابراین، از وظایف اخلاق فردی توجه به بُعد روحانی و معنوی خود و تلاش برای تعالی بخشیدن به آن است. براین‌اساس، اگر برخی از رفتارها و دل‌مشغولی‌های جنسی او را از این راه باز دارد او وظیفه دارد خود را از آنها بپیراید، هرچند ممکن است از نظر فقهی حلال تلقی شوند. توجه بیش از اندازه به مسائل جنسی با ردیلت‌هایی مانند حرص، شره و وله (زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۶۸۹) گره خورده است. این بیماری‌های اخلاقی موجب اسارت روح شده، از تعالی و کمال فرد جلوگیری می‌کنند.

۲-۲. عدالت میان فردی

اصل اخلاقی عدالت زائیده بسیاری از قوانین حقوقی و فقهی شده است؛ یعنی فلسفه قانون‌گذاری تحقق بخشیدن به عدالت و جلوگیری از هرج و مرج است. از جمله مباحث حقوقی، حقوق جنسی زوجین یا زوج و زوجات است. قرآن کریم نیز به منظور ایجاد عدالت میان همسران و بهره‌مندی زن و شوهر از حظ مطلوب دنیوی‌شان، قوانین مهمی وضع کرده است. همین امر موجب شده است تا از اصل اخلاقی «عدالت»، قواعد اخلاقی زیادی منشعب شود.

ص ۲۶۷). زن شوهردار به این سبب که از لحاظ رابطه عاطفی و جنسی به واسطه همسرش تأمین است او را محصنه می‌خوانند. چنین کسی در صورت ارتکاب زنا، مجازاتی سنگین‌تر خواهد داشت (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۸۶۸-۸۶۹). در روایات، اموری یاد شده که در صورت توجه به آنها، زن و مرد با چشم و دلی پاک زندگی جنسی خود را از هرج و مرج و فحشا به دور خواهند داشت و زندگی آنها همچون حصن و دژی محکم، از عوامل انحراف مصون خواهد ماند.

اظهار محبت و علاقه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۹؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۳۳): توجه به آراستگی ظاهری خود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۷؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۳۳): اعلام آمادگی برای رابطه و پا پس نکشیدن (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۳۸): پیش‌نوازی (علی‌بن موسی‌الرضا، ۱۴۰۲ق، ص ۶۵): و برانگیختن (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۱۳) اموری است که در روایات بدان‌ها توصیه شده است و چنانچه همسران به این خواسته‌ها توجه کنند بر پاک‌دامنی و تحصین طرف مقابل تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

۲-۲-۲. رعایت عدالت میان همسران

قرآن کریم شرط اساسی جواز چندهمسری مردان توان برقراری عدالت میان همسران معرفی می‌کند (نساء: ۳). هرچند عدالت واقعی و تمام‌عیار را، که به تعبیر امام صادق علیه السلام با مساوات در محبت قلبی به زوجات محقق می‌شود (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۵۵) دست‌نیافتنی می‌داند (نساء: ۱۲۹). فقهای شیعه و سنی قدر متیقن از عدالت را تقسیم عادلانه شب‌ها میان همسران دانسته‌اند. همچنین همگی شب ماندن در کنار همسر (بیتوته) را واجب و اکثراً هم‌خوابی (مضاجعه) را نیز لازم دانسته‌اند. اما به اعتقاد آنها، رعایت عدالت در آمیزش جنسی (مواقعه) همچون محبت قلبی، خارج از اختیار و توان مرد است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۷۹؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۱۰).

۳. کرامت

از دیدگاه قرآن کریم، انسان دارای دو مرتبه کرامت است: اول. کرامت ذاتی که همگانی است. دوم. کرامت اکتسابی که با اختیار به

در نحوه استدلال فقها بر این مسئله، تفاوت‌هایی وجود دارد. برخی از باب اینکه نباید زن مرتکب گناه شود و بر مرد لازم است از مقدمات ارتکاب گناه همسر جلوگیری کند، بر مرد واجب دانسته‌اند تا در صورت نیاز شدید جنسی زن، در فاصله‌ای کمتر از چهار ماه، با او نزدیکی کند. برخی دیگر از فقها با توجه به قاعده «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام» حکم به وجوب رابطه جنسی بر مرد در فاصله‌ای کمتر از چهار ماه کرده‌اند، تا از این نظر، ضرری به زن وارد نشود (امیری، ۱۳۸۹، ص ۸۷-۹۰). همچنین برخی براساس قاعده «نفسی حرج»، رسیدگی جنسی را بر مرد واجب دانسته‌اند (امیری، ۱۳۸۹، ص ۸۸-۹۰).

قرآن کریم همان‌گونه که از نشوز زنان یاد کرده است (نساء: ۳۴)، از نشوز مردان نیز سخن به میان آورده است (نساء: ۱۲۸). «نشوز» به معنای شانه خالی کردن از وظایف زندگی زناشویی است که بر دوش هریک از زن و مرد قرار دارد. فرار از مسئولیت‌های جنسی از عوامل نشوز در برابر دیگری است.

از دیگر حقوق جنسی زوجین، می‌توان به «حق فسخ نکاح» اشاره کرد. همان‌گونه که مرد اختیار دارد به سبب کاستی‌های دستگاه تناسلی زن یا بیماری واگیردار او نکاح را فسخ کند، برای زن نیز بر فرض ناتوانی جنسی شوهر، حق فسخ وجود دارد (امیری، ۱۳۸۹، ص ۸۷).

با این مقدمه کوتاه فقهی، کاملاً روشن است که بر اساس دیدگاه اسلام، هریک از همسران باید به نیاز جنسی طرف مقابل توجه کند. البته شاید به سبب سرعت و شدت تحریک‌پذیری از طریق نگاه و کم‌طالقی مردان در برابر نیاز جنسی، این وظیفه برای زنان سنگین‌تر وضع شده است. به هر روی، حق و وظیفه هر دو طرف مکمل یکدیگر است.

باید به این نکته نیز توجه داشت که رعایت حقوق همسر شرایط را برای ایفای نقش او در انجام وظایفش فراهم می‌کند. از واژه‌های پرکاربرد در ادبیات جنسی قرآن کریم، که تأثیر بسزایی در فهم این نکته دارد، واژه «محصنات» است. این واژه در قرآن به سه معنا به کار رفته است: زنان پاک‌دامن (نور: ۴)؛ زنان شوهردار (نساء: ۲۴)؛ زنان آزاد (نساء: ۲۵)؛ آن چیزی که این سه معنا را جمع می‌کند عفتی است که برای زن حاصل می‌شود. زنی که خود را بدون ازدواج و یا در اثر عدم ملکیت عقیف نگاه داشته و یا با ازدواج عفت او حفظ شده پاک‌دامن و محافظت شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴،

رفتاری را که برخلاف کرامت اوست، درخواست کرد. البته ممکن است این نوع خدشه‌دار شدن کرامت از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشد؛ زیرا این نوع از احترام‌ها ذاتی و همگانی نیست و ممکن است یک رفتار تنها در یک فرهنگ برخلاف ادب و احترام باشد.

۴. عفت

در بحث از عدالت، به‌طور ضمنی، از نگاه خودگروانه به عفت نیز سخن گفته شد. در واقع، اعتدال در رابطه جنسی چنانچه به هدف رعایت عدالت نسبت به خود انجام گیرد با عینک خودگروی به آن نگاه شده است. اکنون دو فضیلت «حیا» و «کفاف» را که از عفت برآمده‌اند بررسی می‌کنیم. چنانچه عفت به سبب خوب بودن - فی‌نفسه - مورد توجه باشد نگاهی فضیلت‌محورانه به آن شده است، و اگر به سبب آثار و نتایج فردی و اجتماعی آن مطمح‌نظر باشد از دریچه غایت‌گروی به آن نگاه می‌شود.

از آنجاکه عفاف به لحاظ اخلاق فلسفی، فضیلت و میانه‌روی در قوه شهویه است، می‌توان از آن به مفهوم عام «اعتدال در قوه شهویه» تعبیر کرد. حد میانه شهوت جنسی آن اندازه‌ای است که نیازهای جسمی، روحی و روانی فرد را برآورده کند و کیفیت زندگی او را بهبود بخشد. بنابراین، او حق ندارد از این مقدار کم بگذارد و خوشتن را به فراموشی بسپارد. همچنان که نباید آنقدر خود را غرق در شهوت‌رانی کند که از پای درآید و به امور مهم دیگرش نرسد. این همان چیزی است که باید در کفاف و قناعت‌ورزی به آن پرداخت. از سوی دیگر، رفتارهای جنسی در ساحت اجتماع، باید به‌گونه‌ای باشد که از حدود خود خارج نشده، حیا و عفت عمومی را خدشه دار نکند و موجب پرده‌برداری در جامعه نگردد. بنابراین، لازم است ذیل عنوان اصل «عفت»، به دو اصل «حیا» و «کفاف» پرداخت.

۱-۴. حیا

«حیا» فضیلتی است که وجود آن موجب می‌شود انسان از بسیاری از کارهای ناپسند کناره‌گیری کند و بسیاری از کارهای نیکو را انجام دهد. تکریم میهمان، وفای به وعده، برطرف کردن نیازهای دیگران، قصد کردن کار خوب، اجتناب از کار زشت، انجام واجبات، رعایت حقوق پدر و مادر، ارتباط با بستگان، ادای امانت، و اجتناب از فحشا از جمله این امور است (مفضل بن عمر، بی‌تا، ص ۷۹).

دست می‌آید و موجب تقرب نسبت به خداوند می‌شود (غرویان، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷-۱۲۸). هر دو نوع کرامت به عنوان زیربنای اصول مهم اخلاقی به‌شمار می‌آیند و وظایفی را در برابر خود و جامعه به وجود می‌آورند. از جمع میان آیه شریفه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰) و آیاتی که در مقام نکوهش بدکاران و گنه‌کاران، آنها را بی‌ارزش و فرومایه توصیف کرده است مانند «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (تین: ۵) «وَأَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَصْلُ سَوِيَاءٍ» (فرقان: ۴۴) برمی‌آید: همان‌گونه که خداوند انسان را ذاتاً دارای کرامت و شرافت قرار داده است، انسان نیز باید بر این کرامت و شرافت بیفزاید و خود را، که اشرف مخلوقات و افضل از همه خلایق است، فرونگاهد و ارزش واقعی خود را از حیوانات کمتر نکند.

۱-۳. گرمای داشتن خوشتن

انسان در برابر خود موظف است آنچنان که خداوند او را گرمای داشته، او نیز به خود احترام بگذارد و از رفتاری که به شخصیت، جایگاه اجتماعی و احترام او لطمه می‌زند، پرهیز کند. هرج و مرج جنسی، رفتارهای سبک و دور از شأن انسانی، دل‌مشغولی مداوم، و ذهن جنسی پلید با کرامت نفس ناسازگارند.

۲-۳. احترام به تمامیت جسم و روح دیگران

بر مبنای اصل اخلاقی «کرامت انسانی»، حمایت از تمامیت جسمی و روانی هر کسی که با ما ارتباط دارد یک وظیفه اخلاقی محسوب می‌شود. این اصل را می‌توان با تبیین‌های گوناگون، ضمن اصول اخلاقی دیگری همچون «عدالت» و «همدلی» نیز گنجاند. براساس این اصل، فرد در رفتار خود، باید به کرامت، احترام، جایگاه و ارزش انسانی دیگران توجه کند و رفتار غیرانسانی و بر ضد شخصیت و جایگاه آنها انجام ندهد.

در انتخاب شرکای متعدد و یا رفتار جنسی، باید بر حفظ کرامت دیگران، از جمله همسر و فرزندان تأکید ورزید. با توجه به این اصل، بر هر کسی لازم است احترام شریک جنسی خود را حفظ کرده، از آسیب‌هایی که رفتار او بر جسم یا روح او وارد خواهد کرد، جلوگیری کند؛ مثلاً، در بهره‌مندی‌های جنسی، نمی‌توان از شریک جنسی،

بنابراین، در موضوعات گوناگون جنسی. مانند نگاه، پوشش، خواستگاری، ازدواج، طلاق، روابط جنسی، و تربیت جنسی، حفظ حیا و عفت عمومی محل تأکید قرآن کریم است.

۲-۴. کفاف و قناعت

«کفاف» از ریشه «کف» «یکف» است و هر واژه‌ای از این ریشه مشتق شود باید معنای «منع از محقق شدن امری» در آن باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۸۵). «کفاف» به معنای دست نگه داشتن از درخواست و احساس بی‌نیازی است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۱۳). در واقع، کسی که به کفاف و قناعت می‌رسد به اندازه نیازش از دنیا مصرف می‌کند و اضافه نمی‌آورد (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۱۹۱). یکی از ویژگی‌های انسان عقیف، خودمهارگری و در دست داشتن مهار نفس است؛ یعنی انسان عقیف می‌تواند خود را نسبت به زیاده‌خواهی‌ها منع کند و از شتاب‌زدگی در انتخاب و عواقب انتخاب‌سنجیده بپرهیزد. از همین مطلب روشن می‌شود که چرا «کفاف» راه، که به معنای دست نگه داشتن است، با واژه‌ای همچون «قناعت» تفسیر کرده‌اند؛ زیرا بسیاری از اوقات پرهیز از شتاب‌زدگی به دیده شدن واقعیت‌های زندگی کمک می‌کند و در این صورت، نیازهای کاذب به فراموشی سپرده می‌شوند. در حقیقت انسان اخلاق‌مدار خود را با فضیلت عفت از خواست‌های کاذب نفس بیمه می‌کند و به اندازه‌ای که نیاز طبیعی و واقعی اوست، بسنده می‌کند. البته منظور از «نیاز» در اینجا، نیازهای اساسی، که در روان‌شناسی بحث شده، نیست؛ زیرا بسیاری از این خواسته‌ها بر کمیت زندگی تأثیر نمی‌گذارند. همچنین منظور از آن نیازهای فوری و ضروری نیست، بلکه منظور خواهش‌های نفسانی است. روشن است که خواسته‌های نفسانی مادام که کاذب و دروغین نباشند مذمت نمی‌شوند.

در روایات، از این فضیلت سخن بسیار به میان آمده است، اما این روایات اختصاص به مسائل جنسی ندارد و شامل هر چیزی می‌شود در دنیا قابل بهره گرفتن است؛ لیکن بر اخلاق جنسی نیز قابل تطبیق است، به‌ویژه که در برخی موارد، واژه «کفاف» و «عفاف» با هم می‌آیند.

در مجامع روایی، گاهی کفاف و عفاف در کنار هم ذکر شده‌اند؛

در احادیث بسیاری، ایمان و حیا در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند و در حدیثی، امام صادق ع می‌فرماید: انسان بی‌حیا ایمان ندارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۶). پرهیز او از فحشا نیز به سبب وجود حیا در اوست؛ زیرا به فرموده امیرمؤمنان ع از ویژگی‌های مؤمن آن است که حیایش بر شهواتش حکمرانی می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۲۱۹). بنابراین، یکی از ویژگی‌های بارز انسان‌های عقیف، که از اعتدال در قوه شهویه برخوردارند، وجود فضیلت «حیا» در آنهاست که آنها را به سوی پوشش مناسب، پرهیز از روابط نامشروع، نگاه کنترل‌شده، و مراقبت از حقوق جنسی طرف مقابل هدایت می‌کند.

روح مشترک میان آیات جنسی، حیا و عفت عمومی در جامعه است، به‌گونه‌ای که این نیاز طبیعی و لذت‌بخش به بحرانی برای فرد، خانواده و اجتماع تبدیل نشود. در قرآن کریم، از زنان به سبب جذابیت بدنی و کلامی‌شان حجاب و عفت در تعاملات با نامحرمان خواسته شده است (احزاب: ۳۲-۳۳) و نیز، هم آنها و هم مردان به چشم‌پوشی و پوشش مناسب امر شده‌اند (نور: ۳۰-۳۱). قرآن کریم از روابط پنهانی زنان مطلقه‌ای که در عده هستند (بقره: ۲۳۵) و غیر آنها، که به صورت دوست دختری و دوست پسری رابطه مخفیانه برقرار می‌کنند، نهی فرموده است (نساء: ۲۵؛ مائده: ۵). برای حفظ حریم‌ها و بزرگداشت حیای جوانان، به بزرگ‌ترها دستور داده شده است تا برای جوانان شرایط ازدواج را فراهم آورند و آنان پیش‌قدم باشند (نور: ۳۲). چنانچه فرد شرایط را مساعد نیافت باز هم به عفاف و پاک‌دامنی از گناه توصیه شده است، هرچند این پاک‌دامنی را با اقدام شخصی برای ازدواج به‌دست آورد (نور: ۳۳). پس از ازدواج، بر احترام و محبت متقابل زوجین برای پای‌بندی آنها به این رابطه، تأکید شده (روم: ۲۱) و آنها به حفظ حریم و رعایت حیا در منزل و در مقابل دیدگان فرزندان توصیه شده‌اند (نور: ۵۹). در صورت جدایی و طلاق هم به حفظ احترام نسبت به یکدیگر سفارش شده‌اند (احزاب: ۴۹؛ طلاق: ۱). چنانچه طرفین علاقه‌مند به بازگشت باشند مانعی بر سر راه آنها وجود نخواهد داشت (بقره: ۲۲۹-۲۳۲) و قرآن به سایرین سفارش کرده است که از ازدواج آنها با دیگری جلوگیری نکنند (بقره: ۲۳۴). همچنین از هرگونه عمل منافی عفت نهی کرده (اسراء: ۳۲)، ولی آنگاه که پرده‌های حیا تا آن اندازه دریده شود که عملی مانند زنا و همجنس‌بازی در مقابل چهار شاهد عادل انجام شود، مجازات سنگینی در نظر گرفته است (نساء: ۱۵؛ نور: ۴).

حدیثی مرحوم کلینی در *الکافی* آورده است: شخصی سه مرتبه به صورت متوالی با زنانی ازدواج کرد و بدون آنکه بدی از آنها ببیند ایشان را طلاق داد. پیامبر اکرم ﷺ به او گوشزد کردند که زن و مرد ذواق مبعوض خداوند هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۵).

از کنار هم قرار دادن مفاهیمی همچون قناعت‌ورزی، کف نفس، تقوا، خودمهارگری و آموزه‌هایی همچون رعایت حریم میان نامحرمان، پوشش مناسب، و مراقبت از نگاه‌ها، می‌توان به این نتیجه رسید که اگرچه دین اسلام به نیازهای فردی توجه ویژه‌ای کرده، اما از توجه حداکثری به آن، دل‌مشغولی مداوم و برافروختن شعله شهوت - که ممکن است به رها شدن افسار آن بینجامد - پرهیز داده است. به هر حال، «قناعت‌ورزی» به معنای بی‌توجهی به نیازهای خود و جامعه نیست، بلکه به معنای استفاده از هر نعمتی به قدر حاجت فرد یا جامعه‌ای غیر بیمار است.

۵. غیرت جنسی

یکی از اصول اخلاق جنسی اسلامی - که برای آن توجیحات تکامل‌شناختی ذکر کرده‌اند - اصل اخلاقی غیرت‌ورزی برای مردان است (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۱). مرد با پیروی از این اصل، همسر و خانواده خود را از سوءاستفاده دیگران در امان می‌دارد. براساس دیدگاه عامیانه، غیرت‌ورزی رفتاری سرشار از پرخاشگری و بی‌احترامی و حتی ضرب و شتم نسبت به زنان، است. اما براساس دیدگاه اصیل اسلامی، غیرت، حس دفاع و حمایت از ناموس است که شرافت افراد به آن گره می‌خورد. این حالت حس مثبتی است که فایده آن به جامعه و نوع بشر برمی‌گردد و در منافع فردی خلاصه نمی‌شود. همین امر موجب شده است غیرت از حسادت و خودخواهی متمایز باشد. البته غیرت‌ورزی در غیر موضع و جایگاهش و نیز غیرت‌ورزیدن در حلال نکوهش شده است (رودگر و قاسمی، ۱۳۹۴، ص ۸۷).

غیرت جنسی می‌تواند از بروز معضلات جنسی نظیر هرج و مرج جنسی یا «کمونیسم جنسی» جلوگیری کند. چنانچه مردی از یک‌سو، توجه عاطفی و جنسی به همسرش داشته باشد، و از سوی دیگر، از ورود غریبه‌هایی که ممکن است زمینه‌های انحراف را فراهم کنند، جلوگیری نماید، می‌تواند از آسیب‌هایی که تهدیدکننده کانون خانواده است، جلوگیری کند.

مانند روایتی از پیامبر اکرم ﷺ که از خداوند برای خاندان و دوستدارانش آرزوی کفاف و عفاف می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۰). گاهی مهم‌ترین رکن عفاف، که اگر نباشد عفاف بی‌معنا خواهد بود، «کفاف» دانسته شده است: (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ۶۳۴؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۹۹).

به‌هرروی، همان‌گونه که *ملاصالح مازندرانی* در شرح روایتی از پیامبر اکرم ﷺ که فرمودند: «خداوند انسان با حیای بردبارِ عفیف را دوست دارد»، گفته است: صفت عفت در وجود آدمی موجب می‌شود در خوراک، پوشاک، مسکن و ازدواج، کفاف را به دست آورد و قناعت ورزد (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۸، ص ۳۱۲).

براین‌اساس، رابطه‌های جنسی، که از سر هوس‌رانی و نه نیازی جدی واقع می‌شود، حکایت از نقص فرد دارد. از نظر اخلاقی، بسنده کردن به مقدار نیاز و توجه به امور مهم‌تر، خوب و پسندیده است. اگرچه گاهی برای کمیت و کیفیت رابطه اندازه‌ای تصور شده، اما به این معنا نیست که همه‌جا رضایت شریعت مقدس را به همراه داشته باشد؛ مثلاً، در ازدواج دایم، تعداد چهار زن به عنوان حداکثر تعداد شرکای جنسی برای مرد در نظر گرفته شده است؛ اما چه‌بسا گاهی نیاز مرد و یا اجتماع ازدواج مجدد را اقتضا نکند، بلکه هوای نفس، او را به این سمت ببرد، و نمی‌توان مدعی شد خداوند هم به این رابطه‌ها راضی است.

شاید به همین سبب است که در روایات، مردان و زنان ذواق ملعون و دور از رحمت الهی شمرده شده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۵؛ ج ۱۱، ص ۴۶۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲، ص ۸)؛ زیرا این‌گونه افراد به هیچ وجه، نسبت به یک رابطه رضایت کامل نداشته، به دنبال تجربه افراد جدید با خصوصیات و ویژگی‌های نو می‌گردند. «ذواق» از ریشه «ذاق یذوق» به معنای تجربه و حس کردن چیزی است که تابه‌حال آن را تجربه نکرده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۴۹) و چون این واژه به صیغه مبالغه آمده است، بر کثرت مبالغه‌آمیز این تجربه‌گری دلالت دارد. منظور از «ذواق» در این روایات، به قرینه کلمه «مطلاق» (طلاق‌دهنده) - که غالباً در کنار آن ذکر شده - افرادی هستند که به شیوه‌ای بیمارگونه با کسی ازدواج می‌کنند و پس از مدتی اندک، بدون اینکه از همسرشان بدی ببینند او را طلاق می‌دهند و بر طبل جدایی می‌کوبند و البته به همین بسنده نمی‌کنند، بلکه این کار را بارها تکرار می‌کنند. در

نتیجه‌گیری

بر مبنای اخلاق اسلامی، اصول مرتبط با زندگی زناشویی عبارتند از: عدالت فردی و میان‌فردی، عفت در عرصه عمومی و فردی، غیرت، کرامت نفس و احترام به تمامیت جسمی و روحی دیگران، مودت و رحمت. براساس این اصول پنج‌گانه، همسران باید مراقب رفتار جنسی خود باشند تا در کنار لذت‌آفرین بودن، به هیچ عنوان، موجب ضرر و زیان دیگری نشوند. با توجه به آموزه‌ها اخلاقی برآمده از این اصول، همسران موظفند رضایت زناشویی را به بیشترین اندازه افزایش دهند؛ زمینه‌های علاقه طرفینی و عشق را فراهم کنند تا زمینه‌های انحراف بکلی از بین برود؛ از یکدیگر در مقابل عوامل انحراف صیانت و حمایت کنند؛ و از آسیب‌های جسمی، روانی و معنوی رفتار جنسی اطلاع یابند و از آنها بپرهیزند تا عدالت و کرامت هیچ یک خدشه دار نگردد.

منابع.....

- آنو، آرتور، ۱۳۸۲، «عشق از بی بندوباری جنسی جلوگیری می‌کند»، *روانشناسی جامعه*، ترجمه زهرا ادهمی، ش ۸ و ۹.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد؛ ۱۳۶۷، *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*، تحقیق محمود محمد طناحی، قم، اسماعیلیان.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- _____، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.
- ابن‌حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵، *دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضاء و الاحکام*، تحقیق آصف فیضی، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
- اتکینسون، ری‌تال و دیگران، ۱۳۹۰، *زمینه روانشناسی هیلگارد*، ترجمه محمدنقی برهنی و دیگران، تهران، رشد.
- اسلامی، محمدنقی، ۱۳۸۸، *اخلاق کاربردی چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مازندرانی، محمدصالح بن احمد، ۱۳۸۲ق، *شرح الکافی- الاصول و الروضه*، تهران، المکتبه الإسلامیه.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، *تحریر الوسیله*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- امیری، حسین، ۱۳۸۹، «حقوق جنسی زن و شوهر در اسلام»، *معرفت*، ش ۱۵۴، ص ۸۳ - ۹۶.

- اوحدی، بهنام، ۱۳۷۹، *تمایلات و رفتارهای جنسی طبیعی و غیر طبیعی انسان؛ از نوزادی تا پیری*، اصفهان، آتروپات.
- بیدار، کوگ، دزبل، ژوزه، لامارش، لوک، ۱۳۸۴، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه حمزه گنجی، تهران، ساوالان.
- تیمی آمدی، عبد الواحدبن محمد، ۱۴۱۰ق، *عمر الحکم و درر الکلم*، قم، دار الکتاب الإسلامی.
- دانیو، آندره مورالی، ۱۳۸۴، *جامعه‌شناسی روابط جنسی*، ترجمه حسن پویان، تهران، توس.
- رودگر، نرجس و زهرا قاسمی، ۱۳۹۴، «هنجارشناسی غیرت جنسی در اسلام از منظر روایات»، *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ش ۲، ص ۷۱ - ۹۰.
- ریو، جان مارشال، ۱۳۸۸، *انگیزش و هیجان*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ سیزدهم، تهران، ویرایش.
- ز مخشری، محمودبن عمر، ۱۹۷۹م، *اساس البلاغه*، بیروت، دار صادر.
- ساتراک، جان، ۱۳۸۳، *زمینه روانشناسی (همراه با راهنمای درسی)*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران، رسا.
- شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۸، *نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، *هدایه الیه الی احکام الأئمه*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- صدرحسینی، سیدعلیرضا، ۱۳۹۲، *حق استمتاع زوج و وظیفه تمکین زوجه*، در: <http://www.sadr-site.com/fa/ArticleView>
- طاهرپور، محمدشرف و محمدرضا شرفی، «تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال سوم، ش ۱، ص ۵۳-۷۵.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی یزدی، سیدمحمدکاظم، ۱۴۰۹ق، *العروه الوثقی فیما تعم به البلوی*، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰، *مکارم الأخلاق*، قم، شریف رضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تحقیق احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الأحکام*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- علی بن موسی الرضا، ۱۴۰۲ق، *طب الإمام الرضا*، تحقیق محمد مهدی نجف، قم، دارالخیمام.

- غروی، محسن، ۱۳۷۹، *فلسفه اخلاق*، قم، مرکز تحقیقات اسلامی.
- غلامی، یوسف، ۱۳۹۲، *اخلاق و رفتارهای جنسی*، قم، دفتر نشر معارف.
- فرانکن، رابرت. ای، ۱۳۸۹، *انگیزش و هیجان*، ترجمه حسن شمس اسفندآباد و غلامرضا محمودی، سوزان امامی، تهران، نشر نی.
- فضل الله، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۹ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک للطباعه و النشر.
- فقیهی، علی نقی، ۱۳۹۲، *تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث*، قم، دارالحدیث.
- فیض کاشانی، ملامحسن، بی تا، *المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم، جامعه مدرسین.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، قم، دار الکتب.
- کاظمی، محمود و بهرام بهرامی، ۱۳۹۲، *بررسی برخی از مؤلفه‌ها و اصول اساسی در اخلاق جنسی از نظر قرآن و اسلام*، پنجمین همایش ملی قرآن کریم سفینه‌النجاه عصر ما.
- کجباف، محمدباقر، ۱۳۸۹، *روانشناسی رفتار جنسی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)*، چ پنجم، تهران، روان.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- متقی فر، غلامرضا، ۱۳۸۸، *درآمدی بر نظام اخلاق جنسی در اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- محقق حلی، نجم‌الدین، ۱۴۰۸ق، *تسریع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، اسماعیلیان.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*، تهران، صدرا.
- مظاهری، حسین، ۱۳۸۹، *اخلاق در خانه ۲*، قم، اخلاق.
- مفضل بن عمر، بی تا، *توحید المفضل*، تحقیق کاظم مظفر، قم، داوری.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، مؤسسه آل‌البت.
- مؤمن، رقیه‌السادات، ۱۳۹۲، *جایگاه و محدوده حقوق جنسی زوجین در فقه امامیه و حقوق ایران*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ورام‌بن ابی‌فراس، مسعودبن عیسی، ۱۴۱۰ق، *تنبیہ الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام*، قم، مکتبه فقیه.
- tebyan.net، ۱۳۹۰، اطاعت زن از لذت بردن غیر متعارف همسر (استفتاء از مراجع).
- Abraham H. Maslow, 1954, *motivation and personality*, by Harper & Row, Publishers, Inc.